

در عظیم خلوتِ من ! در عظیم خلوتِ من / هیچ غیر از شکوهِ خلوت نیست (فریدون ایل بیگی)

نشر دیگران



۷۴۹

اعلامیه، رفع تبعیض زنان + اسنادی از قوام السطنه ، تقی زاده و خلع سلاح مجاهدین و فدائیان



برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

کتاب‌جمعه

هفته‌نامه سیاست و هنر

سردبیر: احمدشاملو

با همکاری شورای نویسندگان

مکاتبات با صندوق پستی ۱۵۰۱۱۳۲ (تهران)

بخش شهرستان‌ها، تلفن ۸۳۸۸۳۲ (تهران)

بهای اشتراك ۵۰ شماره ۴۰۰۰ ریال

۲۵ شماره ۲۲۵۰ ریال

که قبلاً دریافت می‌شود

بها ۱۰۰۰ریال

xalvat.com

کتابخانه

سال اول
هشتم شهریورماه ۱۳۵۸

مقالات و مقالات

شعر

- میزگرد ۲
- روشنفکران و انقلاب ۲
- اعلامیه رفع تبعیض از زنان ۷۸
- مصوب سازمان ملل ۷۸
- زنان و انقلاب ۸۵
- در جمهوری دمکراتیک خلق چین ۸۵
- موزامبیک، کشوری با رهبران ناتسا و انقلابی ۹۲
- آیه و عطف (۲) ۹۲
- جواد زاهدی مازندرانی ۱۰۲
- محمدرضا حسینی گزروسی ۱۰۲
- از پرغون به بهشت سبز ۱۳۵
- فریدون فرزاد ۱۳۵
- تهیه یک فرستاده رادیویی ۱۴۰
- پرشین ۱۴۰

نقد و بررسی

- بر خاک تاریخ ۶۳
- عزیز ترسه ۶۳
- گل خورشید ۶۴
- بنول عزیزبوی ۶۴
- سوگنامه ۶۵
- غلی باباجاهی ۶۵
- دو شعر ۶۸
- رضا دبیری جوان ۶۸
- شعرهای ازت، روزدو بیج ۷۰
- برگردان منصور اوجی ۷۰

اسناد تاریخی

- پنج سند ۱۴۵
- خسرو شاکری ۱۴۵

پرسه در متون

- جنگیری در فرانسه ۱۵۷
- خاطرات منتحن الدوله ۱۵۷

قصه

- مشکلی‌های آسان ۱۵
- عباس مساکلی ۱۵
- بزرگ بانوی روح من ۳۸
- گنن ترغی ۳۸
- جشن تولد ۵۱
- اسلامپور سرورک ۵۱
- ابرج زهری ۵۱
- نشان شمر و خورشید ۵۱
- آنتون چغوف ۵۶
- کریم کشاورز ۵۶

اعلامیه رفع تبعیض از زنان

این اعلامیه در جلسه هفتم نوامبر
۱۹۶۷ مجمع عمومی سازمان ملل
متحد اعلام شد.



مجمع عمومی

با آنکه ملتهای عضو سازمان ملل متحد در منشور این سازمان
وفاداری خود را به اصول اساسی حقوق انسانی، و به مقام و منزلت فرد انسانی
و به حقوق مساوی مردان و زنان یک بار دیگر تأیید کرده‌اند.
اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل عدم تبعیض تأکید دارد و اعلام می‌کند که
همه انسانها آزاد به جهان می‌آیند و شأن و منزلتی یکسان دارند و هر کسی،
بدون در نظر گرفتن هرگونه اختلاف، منجمله اختلاف در جنس، از همه حقوق

و آزادی‌های مطرح شده برخوردار است. و با در نظر گرفتن قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها، قراردادها و توصیه‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های خاصی که به منظور امحای همه اشکال تبعیض، و ارتقای حقوق برابر زنان و مردان طرح شده، و نیز با در نظر گرفتن این که، علی‌رغم منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر و دیگر اقدامات ملل متحد و سازمان‌های خاص، و باز علی‌رغم پیشرفتی که در زمینه تساوی حقوق حاصل شده، هنوز تبعیضات فراوانی درباره زنان به موجودیت خود ادامه می‌دهد.

از آنجا که تبعیض نسبت به زنان با شأن انسانی و پا رفاه خانواده و جامعه سازگار نیست، و مانع می‌شود که آنان به‌طور یکسان با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورشان مشارکت کنند، و مانعی است در راه انکشاف کامل توانایی‌های زنان در خدمت به کشورشان و به‌انسانیت، و نیز با توجه به سهم عظیمی که زنان در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و سهمی که در خانواده و به‌ویژه در تربیت کودکان دارند.

با اعتقاد به این که، انکشاف [= تکامل] همه‌جانبه و کامل یک کشور، رفاه جهان و آرمان صلح مستلزم حداکثر شرکت زنان، به‌مانند مردان، در تمامی زمینه‌هاست.

و با در نظر گرفتن این که لازم است شناسایی جهانی اصل مساوات زن و مرد هم در قانون و هم در عمل صورت گیرد.
این اعلامیه رسماً صادر می‌شود:

مادة ۱

تبعیض علیه زنان، نفی یا محدود ساختن مساوات حقوقی آنها با مردان، اساساً غیرعادلانه و تجاوزی است به‌شأن بشریت.

مادة ۲

تمام اقدامات مقتضی در جهت از میان برداشتن قوانین، آداب و رسوم، قواعد و عملیاتی که تبعیضی است نسبت به زنان، و نیز تمامی اقدامات مقتضی برای



ایجاد حمایت کافی قانونی برای حقوق مساوی زنان و مردان باید صورت
گیرد. به خصوص:
الف) اصل مساوات حقوق باید در قانون اساسی گنجانده شود یا به شکل
دیگری به وسیله قانون تضمین شود:
ب) ارگان‌های بین‌المللی ملل متحد و سازمان‌های خاص در رابطه با رفع
تبعیض از زنان هرچه زودتر باید ایجاد یا تکمیل شود.

ماده ۳

برای تعلیم افکار عمومی و هدایت احساسات ملی در جهت ریشه‌کن کردن
پیش‌داوری و محو رسوم و همه‌الگوهای که مبتنی بر نظریه تحقیر زنان است
باید همه اقدامات مقتضی صورت گیرد.

ماده ۴

تمامی اقدامات مقتضی باید برای مطمئن ساختن زنان پداشتن حقوق
مساوی با مردان، بدون هیچ‌گونه تبعیض صورت گیرد:
الف) حق رأی دادن در تمام انتخابات و حق انتخاب شدن در تمام ارگان‌های



منتخب عمومی:

ب) حق رأی دادن در تمام زفراندم‌های عمومی؛
ج) حق داشتن شغل عمومی و برخورداري از تمامی عملکردهای عمومی.
چنین حقوقی باید از طریق قانون تضمین شود.

ماده ۵

زنان هم به مانند مردان برای کسب، تغییر یا حفظ ملیت‌شان از حقوق یکسانی برخوردارند.

ازدواج با مردی از کشور دیگر به طور خودبه‌خود تأثیری در ملیت زن نمی‌گذارد خواه چنین چیزی از جانب دولت وی و خواه از طریق ملیت شوهرش مطرح باشند.

ماده ۶

۱. بدون پیش‌دآوری در مورد حفاظت از وحدت و هماهنگی خانواده، که وحدت اساسی هر جامعه‌نی را تشکیل می‌دهد، تمامی اقدامات لازم به‌ویژه اقدامات قانونی باید صورت گیرد تا به‌زنان، خواه متأهل خواه مجرد، درباره

حقوق مساوی با مردان، در زمینه حقوق مدنی و به‌ویژه مواد زیر اطمینان بدهد:

الف) حق کسب، اداره، بهره‌مند بودن، در اختیار داشتن و به‌ارت بردن دارائی، منجمله آن دارائی که در طول زندگی زناشویی کسب کرده؛

ب) حق مساوات در امکانات حقوقی و استفاده از آن؛

ج) دارا بودن حقوق مساوی با مردان در رابطه با حقوق مربوط به افراد.
۲. تمامی اقدامات مقتضی باید صورت گیرد تا اصل مساوات نقطه‌نظرات زن و شوهر مراعات شود، به‌ویژه:

الف) زنان در امر انتخاب همسر از حقوق یکسانی با مردان برخوردارند. انتخاب همسر آزادانه صورت می‌گیرد و ازدواج با میل و رضایت آن‌ها انجام می‌پذیرد؛

ب) زنان در طول ازدواج و طلاق از حقوق مساوی با مردان برخوردارند. در تمامی موارد منافع فرزندان ارجحیت دارد؛

ج) پدر و مادر در مسائل مربوط به فرزندان‌شان از حقوق و وظایف یکسانی برخوردارند. در تمامی موارد مصالح فرزندان ارجحیت دارد.

۳. ازدواج کودکان و نامزدی دختران جوان نابالغ باید ممنوع شود، و اقدام مؤثری، منجمله اقدامات قانونی، باید صورت گیرد تا حداقل سن ازدواج را مشخص کند و آن را به‌دقت تہت ازدواج ابلاغ و از نظر رسمی اجباری کند.

مادۀ ۷

تمامی قوانین کیفری که تبعیضاتی دربارهٔ زنان دارد باید لغو شود.

مادۀ ۸

باید تمامی اقدامات مقتضی منجمله اقدامات قانونی در جهت مبارزه با همهٔ اشکال دادوستدی که روی زنان صورت می‌گیرد و استثمار فاحشگی به‌مورد عمل درآید.

مادۀ ۹

تمامی اقدامات لازم باید صورت گیرد تا به‌دختران و زنان متأهل و مجرد دارا بودن حقوق مساوی با مردان در تمامی سطوح آموزش و پرورش اطمینان



دهد. و به‌خصوص در زمینه‌های زیر:

الف) شرایط مسایر پذیرش و مطالعه در مؤسسات آموزش و پرورش از همه نوع، منجمله دانشگاه‌ها و مدارس فنی و حرفه‌ای.

ب) انتخاب یکسان رشته تحصیلی، امتحانات یکسان، سناد آموزشی با معیار دارای کیفیت یکسان. و مدارس دارای تجهیزات برابر. خواه چنین مدرسی مختلط باشد خواه نباشد:

ج) فرصت‌های مسایر برای بهره‌مند شدن از هزینه تحصیلی و دیگر مزایای تحصیلی.

xalvat.com

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

- د) فرصت‌های مساوی برای دستیابی به برنامه‌های آموزشی مداوم، منجمله برنامه‌های سوادآموزی بزرگسالان؛
- ه) دسترسی داشتن به اطلاعات آموزش و پرورشی که به سلامت و رفاه خانواده‌ها کمک می‌کند.

ماده ۱۰

۱. تمامی اقدامات لازم باید صورت گیرد تا به زنان، متأهل و مجرد اطمینان دارا بودن حقوق مساوی با مردان را در زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی بدهد به‌ویژه در زمینه‌های زیر:
- الف) حق بهره‌مند شدن از آموزش حرفه‌نی، کار کردن، انتخاب آزاد حرفه و شغل و پیشرفت حرفه‌نی و شغلی؛
- ب) حق بادلش مساوی با مردان نسبت به‌کاری که دارای ارزش واحد است؛
- ج) حق بهره‌مند شدن از مرخصی با استفاده از حقوق، امتیازات بازنشستگی و ایجاد امنیت در رابطه با بیکاری، بیماری، کهولت سن یا ازکارافتادگی‌های دیگر؛
- د) حق برخورداری از امتیازات فوق‌العاده خانوادگی در شرایط یکسان با مردان.

۲. به‌منظور جلوگیری از تبعیض درباره زنان در صورت ازدواج یا مادر شدن و تأمین حق قاطع آنان برای کار کردن، لازم است اقداماتی صورت گیرد که در صورت ازدواج یا مادر شدن بتوانند از مرخصی برای زایمان، با تضمین برگشت به‌شغل سابق و خدمات اجتماعی لازم منجمله تسهیلات مراقبت از بچه بهره‌مند شوند.

۳. اقداماتی که به‌منظور حمایت از زنان در بعضی از کارها که بدلائل وضعیت جسمانی آنان صورت می‌گیرد نباید تبعیض تلقی شود.

ماده ۱۱

۱. اصل تساوی حقوق مردان و زنان را تمام دولت‌ها باید برطبق اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر رعایت کنند.
۲. حکومت‌ها، سازمان‌های غیرحکومتی و افراد علاقه‌مند باید تا جانی که می‌توانند در تحقق اصول این اعلامیه تلاش ورزند.

اسناد تاریخی

سند چهارم یکی از اسناد سرسیردگی تقی‌زاده به انگلستان است. وی که در آن زمان سفير ایران در انگلستان بود به‌جای دفاع از منافع کشور به‌جاسوسی وزارتخانه بریتانیا مشغول است. سند پنجم موضع حزب توده است نسبت به قوام، در آستانهٔ ائتلاف با او. با مطالعهٔ این اسناد تاریخی به‌دو نکتهٔ روشن آگاهی می‌یابیم. یکی ماهیت قوام‌السلطنه و دیگر ماهیت کسانی که با او به‌توغی در رابطه بوده‌اند. سند اخیر نشان می‌دهد که تا آگاهی و خوشبیاوری سیاسی تا چه حد ریشه‌دار بوده است که عناصر به اصطلاح «عترقی» چنین آسان قریب چنانچه از ارتجاع را می‌خورند و کل جنبشی را به‌توفان فنا می‌سازند!

اساد پنجگانه‌ای که در این شماره آمده است، هر يك به‌نوبهٔ خود حقیقتی تاریخی را برملا می‌کند اما انتشار یکجای آن‌ها رابطه‌ی تاریخی را در ذهن پدید می‌آورد که از سیاستی خسران‌بار سخن می‌گوید. اسناد شمارهٔ یک و دو سرسیردگی بی‌چون و چرای احمد قوام را به‌امپریالیست‌ها، از ابتدای کارش، در فراسوی هرگونه تزددی مستند می‌کند که ضمناً موضعگیری بین‌المللی کمونیست (در ژوئن ۱۹۶۳) را نیز که قوام را «سرسخت‌ترین هوادار انگلیسی‌ها در ایران» معرفی کرده است می‌باید بر این اسناد افزود. سند سوم تلگراف تبریک تقی‌زاده است به قوام. به‌مناسبت تولد او به سرگوب جنبش در آذربایجان.

xalvat.com

پنج سند درباره قوام السلطنه

نامه قوام السلطنه به وزیر مختار بریتانیا در تهران،
پس از دستگیری و زندانی شدن او توسط کنسول
محمدتقی خان بسیان

قدایت شوم، بعد از عرض ارادت و تأسف از این که از سعادت ملاقات محروم هستیم
زحمت افزا می‌شوم قریب ۵۰ روز است بدون هیچ گونه تفسیر و گناه خودم در حبس و
کسان و بستگانم قسمتی در مشهد محبوس و قسمتی متفرق تمام اموال و علاقه حتی
اثاثیه منزل که همراه بوده است ضبط و غارت شده. یقین دارم کنسول پریدکس شرح
حال و گزارشات مرا در ایام حبس کاملاً به عرض عالی نرساند. زیرا از داخله محبس و
طرز فشار و سختی مأمورین البته بی اطلاع بوده است. اجمالاً از پیشرفتی و بی احترامی
آن چه ممکن بود نسبت به من و خانواده من فروگذار نشد. و فعلاً بعد از تحمل صعوبات
و مشقات یک هفته است وارد طهران و در عشرت‌آباد محبوس هستم و با کمال حیرتی
که از این پیشامد دارم این مختصر را به جناب مستطاب عالی عرض می‌کنم هر چند
ممکن است بفرمائید مداخله در امور داخلی ایران نخواهید فرمود لیکن نظر به دوستی و
روابط صادقانه و صمیمانه که در این سه سال با مأمورین دولت فخریه داشته و در هیچ
موقع از حفظ منافع آن دولت کوتاهی نکرده‌ام و از طرف دیگر تصور هم نمی‌کنم اقدام
جناب مستطاب عالی در این مورد حمل بر مداخله شود. زیرا آن چه بدون جهت و
دلیل بر من وارد شده است جز بر اشتباه و عدم تحقیق محلی [اجمل] نمی‌تواند کرد و
در این صورت اقدام جناب عالی برای رفع اشتباه است نه برای مداخله. این است با
کمال امیدواری از مراتب شفقت و خیرخواهی جناب مستطاب عالی مسئلت می‌کنم
اقدام موثری در اصلاح و جبران این احوال که اساس زندگانی مرا به کلی از هم پاشیده
است بفرمائید که زودتر به منزل خود رفته با توجه و مساعدت عالی ترتیبی در زندگانی
من داده شده تا بل که بتوانم با خانواده و بستگانم از ایران مهاجرت نمایم و از این
احسان و شفقت جناب مستطاب عالی مادام‌العمر رهین امتنان و تشکر باشم.
خواهشمندم این مکتوب در خدمت عالی محرمانه بماند و هراقدامی می‌فرمائید
مستقیماً از طرف خودتان باشد زیرا در صورتی که معلوم شود در این حال با جناب عالی
مکاتبه کرده‌ام بیشتر بر فشار مأمورین و گرفتاری من افزوده خواهد شد. با ارادت
سرشار احترامات فایده را تقدیم می‌دارم.

قوام السلطنه

[اواسط ماه مه ۱۹۲۱]

xalvat.com

۲

دکوارسیون [شماره ۱۱۳] نشان فراماسونری قوام السلطنه،
از دبیر عالی ترین order امپراطوری هند به فرستاده مخصوص من مازسته بریتانیا و
وزیر مختار در دربار ایران - تهران.
سپتامبر - مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۲۰

عالی جناب:
من از طرف جناب استاد بزرگ (گروندماستر)، عالی ترین لژ امپراطوری هند
[بریتانیای کبیر]، مأموریت دارم [مطالب زیر را] از برای تحویل به جناب
احمدخان، قوام السلطنه K.C.I.E والی خراسان برای شما ارسال دارم.
(۱) نشان شوالیه فرمانده لژ (Knight Commander of Order).
(۲) میثاقی حاوی شرطی از برای استرداد مقتضی نشان که من باید پیرو بخش
۱۶ مقررات لژ بخواهم از طرف او [قوام] امضا شود، مگر آن که شما عدم لزوم آن
را توصیه کنید.
(۳) رونوشتی از مقررات لژ.
(۴) پاداشتی پیرامون اطلاعات مربوط به عمل دکوارسیون لژ شماره هند
(Star of India) و امپراطوری هند و مدال از طرف اعضای شخصی [شیرنظامی] این لژ
و حاملین این مدالها.
(۵) رسید لطفاً درخواست می شود.
(۶) باید تقاضا کنم که گزارشی درباره تشریفات اعطای این نشان برای ثبت به من
فرستاده شود.
(۷) باید درخواست کنم که از آن جناب [قوام] تقاضا شود که به هنگام تمیز کردن نشان
برای برهیز از صدمه [به آن] از دقت دوغ نرمانند.

یا احترامات قائم

دبیر عالی ترین لژ امپراطوری هند [بریتانیای کبیر]

xalvat.com

۳

متن تلگراف سیدحسین تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در لندن به‌احمد
قوام‌السلطنه نخست‌وزیر، مورخ بیستم آذرماه ۱۳۲۵ وزارت امور
خارجه

جناب اشرف آقای رئیس‌الوزراء از موفقیت حاصل در امر استرداد آذربایجان و
احیای مملکت قدیمی و جلوگیری از تجزیه وطن از صمیم قلب تبریک گفته و
هزاران هزار تشکر داریم. خداوند خود به‌جناب اشرف عالی جزای خیر بدهد و
کامکار گرداند که هیچ پادشاه دنیوی اجرایی این خدمت نتواند شد. روح پیغمبر
اکرم و روح گوش و داریوش به‌شما دعای خیر می‌فرستد کافه ملت ایران و
مسلمانان عالم پشتیبانان می‌باشند. انتشار خبر تصمیم متردین ظهر چهارشنبه در
لندن ایرانیان را به‌وجد آورده و خبر فتح به‌ناگهان در یک ساعت مثل برق منتشر
شد و جمله با دلی پر از اعجاب و قدردانی به‌دعای کامیابی عالی و عظمت ایران
و پندی بخت اعلی‌حضرت وطب‌اللسان شدند. ادعیه خالصانه بی‌ربا و نهیت قلبی
اینجانب را هم بپذیرید.

تقی‌زاده

۴

سفارت شاهنشاهی ایران

۶ سپتامبر ۱۹۴۵

سیرونالد عزیزم

بیرو مذاکرات دیروزمان، همان طور که قول دادم، اکنون ما هم با ارسال
خلاصه اخبار واصله از ایران، ما حاصل نامه‌هایی را که در هفته‌های گذشته پیرامون
چندین برخورد در نقاط مختلف ایران دریافت کرده‌ام، با ذکر علل اصلی وقایع
تأسف‌انگیز مذکور تقدیم دارم.

مایلم از جنابعالی بابت توجهی که به‌مشکلات مبذول می‌دارید تشکر کنم.

دوستار شما

تقی‌زاده

س. ح. اسیدحسین‌ا

xalvat.com



Ambassade ~~AMBASSADE~~ IMPÉRIALE
DE L'IRAN



123

6th September, 1945.

My dear Sir Ronald,

With reference to the conversation we had yesterday, as promised I now have pleasure in enclosing a rough resumé of the news reaching us from Iran, and the substance of the communications I have received in the last weeks concerning the incidents in various parts of Iran, and also the main reason lying at the root of these different regrettable incidents.

I should like to thank you for the attention you are giving to our difficulties.

Believe me,

Yours sincerely,

S. H. Tagizadeh

Sir Ronald Campbell,
Foreign Office,
S.W.1.

xalvat.com

گزارش تقی زاده

در شمال ایران اخیراً تشنجاتی رخ داد که ناشی از تحریمات حزب چپ افراطی [کذا] (توده) بوده است که به‌درست با خطا به‌حمایت مستقیم یا غیرمستقیم خارجی [شوروی] باور دارد. آن چه در زیر می‌آید [گزارش] تصادماتی است که رخ داده است:

طرف‌داران حزب توده عازم لبقوان (دهکده بزرگی در آذربایجان) شدند و در آنجا به تظاهرات و تبلیغات دست زدند. این امر موجب تصادمات شد و در محل نزاعی بین اهالی دهکده و [توده‌ایها] در گرفت و از هر دو طرف چهار نفر به‌قتل رسیدند. تحریمات مشابهی در رضائیه [ارومیه] (شهری در جنوب غربی آذربایجان) انجام گرفت که پس از آن یک هیئت نظامی به‌سرکردگی یک افسر سرشناس و بی‌طرف، ژنرال جهانپائی، از طرف دولت برای تحقیقات به‌تبریز اعزام شد.

حوادث جدی‌تری در مشهد رخ داده که طی آن ۲۰ تن از افسران و سربازان قیام کردند و با به‌غرامت بردن کامیون‌ها، سلاح‌ها و مهمات به‌سوی استپ‌ها [ی ترکمن صحرا] فرار کرده تا در آنجا به‌تعداد قابل ملاحظه‌ای از ترکمن‌های مسلح به‌پیوندند.

اینان در گنبدکاووس با یک گروهان ژاندارمری اعزامی دولت روبرو شدند؛ هشت تن از شورشیان به‌قتل رسیدند؛ ۶ تن دیگر دستگیر و کامیون‌ها و سلاح‌های سرقت شده، توقیف شدند. بقیه شورشیان به‌درون منطقه جنگلی آن حوالی فرار کردند.^{۱۱}

به‌منظور تحکیم موقعیت [نظامی] نامطلوب این مناطق، نیروهای تازه‌نی از پادگان‌های مختلف ژاندارمری به‌آن محل اعزام شدند. اما نیروهای نظامی شوروی به‌این واحدهای ژاندارمری اطلاع دادند که اولاً باید به‌پادگان‌های خود بازگردند، و ثانیاً در صورت [پیش آمدن] تصادم نباید تیراندازی کنند. و ثالثاً آنان مانع ارسال سلاح‌ها و مهمات به‌تهران هستند که از شورشیان توقیف شده است.

اخبار تازه پیرامون وخامت وضع در این نقاط کشور دولت را وادار ساخت در حدود دو‌یست تن دیگر را به‌عنوان نیروی تقویتی اعزام کند. اما این نیروها از فیروزکوه (شهرکی در جاده تهران - مازندران) بازگشتند.

(۱) برخی از این افسران جوان برای پرهیز از اسارت در جنگال به‌لوی از مرز شوروی گذشتند تا در آنجا پناهنده شوند. همه اینها دستگیر و به‌عنوان عناصر ضدانقلاب و جاسوس به‌سبیری اعزام شدند و سال‌ها در آنجا در اسارت بودند. جا دارد این افسران هم خاطرات خود را بنویسند. (م)

تحریرکات و تصادمات از جانب طرفداران حزب توده در نقاط مختلف مازندران (چون شاهی، بابل،... و شهسوار) و دیگر نواحی شمال ادامه دارد. در این نواحی طرفداران حزب توده، دهقانان را برای تحویل برنج مورد تهدید و ارباب قرار داده‌اند و هر روز خطر اختلالات بیشتری می‌رود. کوشش دولت ایران برای تضمین آزادی رفت و آمد و اعزام نیروهای ژاندارمری به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است. گفتن ندارد که این وضع اقدامات فوری را ضروری می‌کند. چندی پیش سفیر شوروی در اصل با اعزام ژاندارمری [به این نواحی] موافقت کرد، اما ظاهراً هنوز هیچ دستورالعملی به نیروهای نظامی شوروی [در آن ناحیه] نرسیده است.

سفیر شوروی اکنون در تهران نیست. وضع ناروشن است. تا به حال هیچ‌گونه نشانه‌نی دالی بر خروج نیروهای متفقین از ایران مشاهده نشده است. بعکس در صفحات شمال تبلیغات علیه دولت مرکزی به‌طور روزمره افزایش می‌یابد. و در نتیجه آن حوادث پادشده بالا در لیقوان، حوادث اخیر مشهد و جنبش جدی‌تر تجزیه‌طلبی، طی اعلامیه مسخره‌نی استقلال و استقرار جمهوری مراعنه (شهرکی در جنوب شرقی آذربایجان) را اعلام داشت، را بوجود آورد. بارها و بارها تأکید شده است نخستین و مهم‌ترین گام در رودروئی با این وضع مسلماً همانا تقویت دولت مرکزی است. و این تنها زمانی شدنی است که نیروهای متفقین از ایران تخلیه شود و این نشانه صمیمیت متفقین در عدم مداخله در امور داخلی کشور و حمایت از قدرت مرکزی است.



در پیرامون اعلامیه نخست‌وزیر [قوام‌السلطنه]

«بترسند از روزی که دست انتقام از آستین عدالت و ایران دوستی بیرون آید و مغز خیانتکاران و بدخواهان را متلاشی کند»
روز گذشته اعلامیه‌نی به امضای نخست‌وزیر انتشار یافت که از لحاظ سیاسی و اجتماعی حائز اهمیت به‌سزائی است و می‌توان آن را يك سند ذی‌قیمت و رسمی و يك اعلانیه واقعی بر علیه عناصر ارتجاعی این کشور تلقی نمود. ما در مدت چهار سال و نیم مبارزه خود بکرات ملت ایران را از جریان تحریرکات این عناصر ماجراجو که برای حفظ مطامع بیگانگان و پر کردن جیب‌های انباشته خود از هیچ‌گونه اقدامی که بضرر مصالح حیثی میهن عزیزماست مضایقه نداشتند برحذر داشته‌ایم و نا آنجا که صفحات روزنامه رهبر به‌ما اجازه داده است نقشه‌های تحریرک آمیز و ایران برانداز ایشان را در برابر دیدگان

مردم ایران نامش نموده‌ایم.

بسیار خرسندیم که امروز آقای نخست‌وزیر به وسیله یک اعلامیه رسمی با کمال وضوح پرده از روی اعمال ننگین این عناصر خیانتکار برداشته و بدین طریق یکبار دیگر اعلام داشته‌اند که با عزمی ثابت تصمیم دارند دست این قبیل اشخاص را از گریبان ملت ایران کوتاه نمایند.

این اعلامیه که متن کامل آن در همین شماره از نظر خوانندگان می‌گذرد حاوی نکات مهم چندی است:

نخست آنکه در چندین قسمت از اعلامیه صریحاً به اقدامات خیانت‌آمیز عناصر ارتجاعی که دائماً مشغول تحریکات بر علیه مصالح کشور و مردم ایران هستند اشاره گردیده و برای اینکه هیچگونه شبهه در هویت آنان باقی نماند در چند مورد با کمال وضوح بیان مقصود شده است.

اعلامه صریحاً و رسماً به عناصر ارتجاعی و نمایندگان تحمیلی دوره سیزدهم و چهاردهم که: «روابط ایران را با دولت اتحاد جماهیر شوروی به وسیله اعمال جنون‌آمیز از روی عمد و سوءنیت تیره و تار کرده‌اند» حمله می‌کند. آن‌هائی را که «بدون هیچ مدرک و دلیل صرفاً روی نیات پلید خود اعتبارنامه آقای پیشه‌وری و

دیگران را رد نمودند»، مورد خطاب قرار می‌دهد. به نمایندگان که «در دوره سیزدهم و چهاردهم یک قدم برای آسایش مردم برنداشتند و جز حفظ مقام و جمع مال از طریق نامشروع هدفی برای خود اختیار نکردند. و دولت‌های ناصالح و فرومایه را روی کار آورده و به منظور فساد دائماً به سفارت‌خانه‌ها رفتند و به تحریک و دسیسه پرداختند» حمله ور می‌شود.

با این توضیحات جای تردید برای کسی باقی نمی‌ماند که فرض حقیقی آقای نخست‌وزیر عده از نمایندگان و متولیان مجلس چهاردهم است که بنام اکثریت مخصوصاً در دو سال اخیر مرتکب کلیه این عملیات ننگین و خیانت‌آمیز گردیده‌اند.

این‌ها همان پزشک ظاهری‌ها، سیدکاذم‌ها، دشتی‌ها، سیدضیاء‌ها و نوچه‌های آنان جمال امامی و ثقة‌الاسلامی و امثال آنان هستند که به دستکاری عمال اجانب از قبیل کریم رشتی و ارفع کلیه تحریکات و اقداماتی که کشور ما را در مقابل وضع کنونی قرار داد مرتکب شدند و حتی برای این که به منظورهای پست و ننگین خویش ادامه دهند حاضرند میهن باجانب بفروشند و با قدرت آنان ارتجاع بخرند.

به همین جهت در قسمت دیگر اعلامیه اشاره به فعالیت‌های جنایت‌آمیز این گروه در حال حاضر شده و اعمال آنان را برای متزلزل کردن دولت آقای قوام و «به منظور این که بتوانند خود را در انتخابات آینده بار دیگر بر مردم تحمیل کنند»

فاش ساخته است.

این قسمت از اعلامیه در حقیقت پاسخ دندان شکنی است به شایعات اخیر دائر به استعفاء آقای نخست وزیر و اعتراضاتی که برای تشویش اذهان عمومی و اغفال مردم ساده لوح بر علیه رئیس دولت انتشار یافته است.

آقای قوام برای روشن شدن اذهان نه تنها استعفا خود را صریحاً تکذیب نموده اند بلکه عزم راسخ خویش را در پایداری و تعقیب سیاستی که تا کنون در امور خارجی و داخلی دنبال کرده اند و مجازات شدید ماجراجویان و انکاب به افکار عمومی ملت ایران اعلام داشته اند.

اعلامیه نخست وزیر مخصوصاً علل این تحریکات را در دو عبارت کوتاه ولی پر معنی خلاصه کرده است.

«می گویند چرا با نمایندگان آذربایجان حاضر به مذاکره و مسالمت گردیدم و چرا به مسکو رفته و با دولت اتحاد جماهیر شوروی حسن تفاهم پیدا کردم»

آقای نخست وزیر نه تنها اساس سیاست خارجی دولت خود را از نو تأیید نمودند بلکه جای بسی خرسندی است که صراحتاً اطمینان خویش را در حل مسالمت آمیز مشکل آذربایجان اعلام داشته اند.

فست سوم اعلامیه که در حقیقت نتیجه منطقی این ادعائنامه تاریخی بر علیه عناصر ارتجاعی است تصمیم رئیس دولت را مبنی بر اصلاحات اساسی در امور داخلی (به منظور آبهای کشور و تأمین رفاه و آسایش مردم خصوصاً طبقه کارگر و زارع) بیان نموده و مخصوصاً تصریح گردیده است که (برای پیشرفت این هدف در نظر دارم از عناصر مترقی کشور حداکثر استفاده را بنمایم) پناهر آنچه مذکور شد از مجموع اعلامیه می توان برنامه آینده آقای نخست وزیر را استنتاج نمود.

۱- تعقیب و مجازات شدید خائنین و عناصر ماجراجو که هنوز در صدد مشوب کردن اذهان عمومی و ایجاد سوء تفاهم با همسایه نیرومند ما اتحاد جماهیر شوروی هستند.

۲- تجدید مذاکرات برای حل مسالمت آمیز مسئله آذربایجان.

۳- استفاده کردن از عناصر مترقی کشور و آزادی خواهان به منظور اصلاحات

اساسی.

ما این اعلامیه را با کمال خرسندی استقبال می کنیم و امیدواریم که آقای نخست وزیر برای انجام منظورهای خویش هرچه زودتر نه تنها به تحریکات مترجمین خاتمه دهند بلکه دست عمال آنها را از داخله کابینه خویش کوتاه کرده و با تشکیل دولت از عناصر مترقی ضربه شدیدی بر پیکر ارتجاع وارد آورند.

اطمینان داشته باشند که برای اجراء این نظریات حزب نیرومند ما و کلیه آزادی خواهان ایران از ایشان پشتیبانی خواهند نمود.

نامه رهبر ارگان مرکزی حزب توده ایران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۵

خلع سلاح مجاهدین و فدائیان

ماجرای چگونگی خلع سلاح مجاهدین را در کتاب‌های تاریخ، از جمله تاریخ کسروی، خوانده‌اید و در اینجا نیازی به تکرار آن نیست. تلگراف‌هایی که می‌خوانید از آن اسناد دیپلماتیک است که از نقشه اصلی توطئه خلع سلاح برده برمی‌دارد. توطئه‌نی که در اصل در وزارت خارجه روسیه تزاری و با تئانی مأموران بریتانیا طرح شد.

نگفته نماند که برخی از سوسیال دمکرات‌های ایران نیز، با پیروی از نظرات نادرست رایج آن روزها، ندانسته آب به آشیاب دشمن می‌ریختند. به این معنا که هم از آن خلع سلاح حمایت و هم در آن شرکت کردند، یعنی چاله‌نی کردند که دامچاله خودشان شد.

سند شماره ۱ تلگراف نیکولسون به سیرادواردگری

سن پترزبورگ (۱۹ فوریه ۱۹۱۰) - آقای ایسپولسکی (در وزارت خارجه روسیه) اشاره می‌کنند که اخبار رسیده از تبریز چندان رضایت‌بخش نیست... آن عالیجناب می‌گوید که ستارخان و باقرخان دست‌اندرکار اخلاقتند و اگرچه والی درصدد است که این دو تن را تحت کنترل درآورد اما در انجام کاملاً مستأصل است. زیرا نه بودجه دارد و نه سرباز در اختیار دارد... اهالی ایران در حال وحشت به سر می‌برند و خوشحالتند! که برای صیانت‌شان نیروهای روسی هستند.

سند شماره ۲

سن پترزبورگ (۱۱ مارس ۱۹۱۰)، به دعوت آقای ایسپولسکی امروز به دیدن او رفتم، و آن عالیجناب گفت مایل است به من بگوید که اخبار نگران‌کننده‌تری از تبریز به او رسیده است. آقای ایسپولسکی از طریق تلگراف به وزیر مختار روس در تهران دستور داده است که دولت ایران را تشویق کند که در جهت مطیع ساختن فوری ستارخان و باقرخان فرصت را از دست ندهد، و نیز به من اطلاع دهد که اگر این امر انجام نپذیرد، خود دولت روسیه مجبور خواهد شد (زاساً) اقدام کند.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

ستارخان و باقرخان



چگونه دست نیسی این دو جوان فرور و دوجانگزار عشقی و دو وطن پرست و خلاصه ستارخان سردار
و باقر خان سالار و پراکنجینه که سه نفری در جلو سپاه استیلا کاشیده بر لشکر یاجوج و آکر
هم پراکنده ساختند. (ص ۱۲۰۵)

xalvat.com

سند سوم تلگراف وزیر مختار بریتانیا سر ج. بارکلی به لندن

تهران (۱۳ مارس ۱۹۱۰) (تلگرافی)
افتخار دارم گزارش دهم که پادشاهی به دولت ایران تسلیم کرده ام مبنی بر حمایت از خواست همکاری روسیه که خواستار اخراج ستارخان و باقرخان از تبریز و خلع سلاح طرفداران آنها [مجاهدین] است.

سند چهارم تلگراف سفیر [بریتانیا] از روسیه به لندن

سن پترزبورگ (۱۸ مارس ۱۹۱۰) (تلگرافی)
امروز بعد از ظهر آقای ایسنفولسکی تلگرافی را که تازه رسیده بود برای من قرائت کرد که در آن گفته شده است که ستارخان در پاسخ دومین احضارش به تهران قاطعاً جواب رد داده است. در حالی که باقرخان به این شرط حاضر شده بود حکم احضار را بپذیرد که مبلغ ده هزار [قران؟ تومان؟] به او پرداخته شود. والی و یفرم [خان] معترفند که از اقدامات قهرآمیز ناتوانند.

سند پنجم تلگراف وزیر مختار از تهران به لندن

تهران - (۷ اوت ۱۹۱۰) (تلگرافی)
ستارخان همراه تعداد قابل ملاحظه‌ای از فدائیان و مجاهدین در باغ اتابک. و در حوالی مقر وزارت مختار، مستقر شده است. و از تحویل سلاح‌ها تا پرداخت حقوقی که مدعی است معوق مانده، امتناع می‌کند نیروهای دولتی با چند توپ کوچک آنان را در محاصره گرفته‌اند و اگرچه ضرب‌الاجل تحویل سلاح‌ها امروز صبح سررسیده. به نظر می‌رسد که دولت از اقدام به عمل هراس داشته باشد.

سند ششم از تهران به لندن

تهران - (۸ اوت ۱۹۱۰) فدائیان دیشب با مجروح شدن ستارخان تسلیم شدند. شهر کاملاً آرام است.

